

## جناب شاروال! نشانی را اشتباه گرفته اید

در آخرین ماه سال گذشته، دولت کابل تصمیم گرفت تا قصرهای تاریخی دارالامان، تاج بیگ و چهل ستون را برای بازسازی و مرمت به شاروالی کابل بسپارد و شاروال کابل بدون فوت وقت از تمام هم میهنان به خصوص باشنده گان پایتخت خواهان کمک های مادی و پولی برای بسر رسانیدن این مهم شد. ولی متأسفانه که ایشان جهت بدست آوردن کمک برای احیای دوباره قصرهای تاریخی و دیگر بنا های ویران شده کابل و شهر های دیگر، آدرس را عوضی و به اشتباه گرفته اند.

نخست از همه اکثریت نزدیک به اتفاق باشندگان عادی کشور توانائی پرداخت های اضافی را ندارند و از آن مهمتر اینکه باید مصارف بازسازی شهر ها و دهات ویران شده را از کسانی که مرتکب آن شده اند گرفت نه از مردمی که علاوه از اینکه کشور و شهر های شان ویران شده اند اعضای خانواده و عزیزان شان نیز فدای شهوت جنگ طلبی جنگ افروزی شده اند که در کشور همین حالا نه تنها قدرت را بدست دارند بلکه خود شان خانواده های شان خویشاوندان دور و نزدیک شان همه میلیونر و میلیاردر هستند. دقیق تر باید گفت: انهایی که یکی از چهار آسیاب و دیگری از کوه تلویزیون و کارنیزویون یکی از پغمان و قرغه و دیگرش از افشار و باغ بالا با آتش راکت های کور بر شهر ها و دهات، مناطق مسکونی، تاسیسات عامه منجمله بنا های تاریخی نه تنها اسباب ویرانی آنها را فراهم کرده اند بلکه به هزاران هم شهری و هم میهن بیگناه و امید وار به زنده گی ما را هم نیست و نابود کرده و به کام مرگ ناخواسته فرستاده اند که باید تاوان ویرانگری و بیداد گریه ایشان را بدهند.

همین نسل موجود هم وطنان ما که حالا میانه سال هستند به نیکی بیاد خواهند داشت که یورش بر قصرهای تاریخی کابل نخستین بار در کودتای ((گلبدین + شهنواز + آی اس آی)) در ماه حوت سال ۱۳۶۸ ش ه آغاز یافت ولی پس از شکست آن عمل ننگین، قصر تاریخی دارالامان مرمت گردید. و اما ویرانگری های بیرحمانه و دشمنانه به مردم و میهن در بهار و تابستان سال ۱۳۷۱ پس از ورود مجاهدین به کابل و آغاز نبردهای تنظیمی و قدرت طلبی، آنهم در بین شهر ها و قریه جات مملو از مردم غیر مسلح صورت گرفت. رویداد های خونین میخ به سر کوفتن ها، رقص مرده، پختن شوربای پستان زنان و... در حالی براه افتاد که طرف های درگیر بدون داشتن خریطه، پلان و هدف مشخص از هر طرف شهر کابل، منجمله بناهای دولتی و تاریخی را آماج راکت های کور و آتش توپخانه سنگین قرار دادند. این حملات و حسابانه به پا سخ انداخت های سلاح سنگینی که از پایتخت جانب شان شلیک میشد براه میافتاد. سر انجام علاوه از بخون کشیده شدن ده ها هزار باشنده کابل، شهر کابل منجمله بناهای تاریخی آن ویران و با خاک یکسان گردید.

امروزه فرماندهان جنگسالار و یا قد مه های دوم و سوم آنهمه ویرانگری در کشور با داشتن قدرت، صلاحیت و ثروت های سرشار موجود هستند. شاروال کابل باید از آنها بخواهد تا در اعمار دوباره ی بنا های تاریخی ویران شده سهم بگیرند نه از باشندگان بیچاره، در مانده و کم درآمد که به مشکل میتوانند نان صبح و شام خانواده شانرا فراهم کنند.

من باور کامل دارم که اعمار دوباره این بنا ها را یک گوشه کمی از آنهمه ثروت (( باد آورده )) سران و فرماندهان جنگسالار تکافو خواهد کرد.

پایان